



The Effectiveness of Post-Modern Criminal Law on the Response System to the Crimes of Children and Adolescents in Islamic Countries

Atiyeh. Vajdani Fakhr¹-Shahrdad. Darabi^{2*} -Batoool. Pakzad³-Hamid. Adabi³

1: PhD student, Department of Criminal Law and Criminology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2: Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (Corresponding Author): Shahrdad.darabi@yahoo.com

3: Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract: Postmodern or eclectic criminology is a theoretical approach and a branch of critical criminology that was born in the 1990s by emphasizing the role of language, power and subjectivity under the influence of the thoughts of the German philosopher, Friedrich Nietzsche. And he challenged the traditional and classic ideas of criminal law about crime and justice and considers crime as a result of the interruption of non-dominant discourses and inequality in the distribution of power in society. Postmodern criminologists suggest the use of peaceful reactive responses and consensual approaches instead of resorting to violence by the government and believe that coercive social policies only increase the violence of criminals in society. The ideological foundations governing the criminal system of each country have a direct effect on the formulation of criminal responses and criminal policy in the fight against crime. Children and adolescents are very important as a subject of criminal policy in every society because they play a special role and a decisive role in the fate of every country, and it makes it necessary to adopt a suitable criminal and non-criminal response system. These systems in Islamic countries have always taken the path of trial and error in choosing the correct model of reactive response and curbing the criminal phenomenon, and despite the important role it plays in replacing values and norms in accordance with social developments, It has not had an impact on the thought of criminology in the Islamic world, which is dominated by modern Western theories of criminology, and they have fluctuated and moved between punitive, correctional and educational, restorative and return models, and while reflecting the teachings of Islam has followed some of these patterns.

Therefore, the purpose of accepting distinct intellectual bases in reacting to the criminal behavior of children and adolescents is to accept the intellectual viewpoint of postmodern criminologists who put crime mainly on the construction of the ruling political and cultural system and evaluate it by criticizing the inefficiency of modern criminal law and normative systems. Let's discuss different concepts of crime in the light of rejecting the assumptions and religious concepts of criminal law.

Keywords: Postmodern, children, adolescents, Criminal law, Islamic countries, reactive response.

- A. Vajdani Fakhr; Sh. Darabi; B. Pakzad; H. Adabi "The Effectiveness of Post-Modern Criminal Law on the Response System to the Crimes of Children and Adolescents in Islamic Countries", Semnan University: *Islamic Law and Jurisprudence Studies*, 17(38), 217-250.

Doi: [10.22075/feqh.2024.34889.3982](https://doi.org/10.22075/feqh.2024.34889.3982)

فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۷ - شماره ۳۹ - تابستان ۱۴۰۴

صفحات ۲۵۰-۲۱۷ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۳/۰۵/۰۸ - بازنگری ۱۴۰۳/۰۸/۰۷ - پذیرش ۱۴۰۳/۰۸/۳۰

اثرگذاری حقوق کیفری پست مدرن بر نظام پاسخ دهی واکنشی به جرائم اطفال و نوجوانان در کشورهای اسلامی (ایران، مصر و عربستان)

عطیه وجدانی فخر^۱ / شهرداد دارابی^۲ / بتول پاکزاد^۳ / حمید آدابی^۳

۱: دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲: دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)

Shahrdad.darabi@yahoo.com

۳: استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده: جرم‌شناسی پست مدرن، با التقاطی رویکردی نظری و شاخه‌ای از جرم‌شناسی انتقادی است که با تأکید بر نقش زبان، قدرت و ذهنیت تحت تأثیر اندیشه‌های فیلسوف آلمانی، فردریش نیچه، از دهه ۱۹۹۰ میلادی متولد شد و ایده‌های سنتی و کلاسیک حقوق کیفری در مورد جرم و عدالت را به چالش کشیده و جرم را ناشی از قطع گفتمان‌های غیرغالب و نابرابری در توزیع قدرت در جامعه می‌داند. جرم شناسان پست مدرن، استفاده از پاسخ‌های واکنشی صلح‌جویانه و رویکردهای توافقی را به جای توسل دولت به خشونت پیشنهاد می‌کند و معتقد است که سیاست‌های اجتماعی زورگویانه صرف، بر خشونت مجرمان در جامعه می‌افزاید. مبانی ایدئولوژیک حاکم بر نظام کیفری هر کشور، تأثیر مستقیمی در تدوین واکنش‌های جنایی و سیاست جنایی در مبارزه با جرم دارد. اطفال و نوجوانان به عنوان موضوع سیاست جنایی در هر جامعه به دلیل این که ویژگی خاص و نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت هر کشوری ایفا می‌کنند، بسیار حائز اهمیت است و اتخاذ نظام پاسخ دهی کیفری و غیر کیفری مناسب را ضروری می‌سازد. این نظام‌ها در کشورهای اسلامی همواره در انتخاب الگوی صحیح پاسخ دهی واکنشی و مهار پدیده جنایی، مسیر آزمون و خطا در پیش گرفته‌اند و با وجود نقش مهمی که در جایگزینی ارزش‌ها و هنجارهای متناسب با تحولات اجتماعی ایفا می‌کنند، تأثیری بر اندیشه جرم‌شناسی در جهان اسلامی که تا به امروز تحت سلطه نظریه‌های جرم‌شناسی مدرن غربی است، نداشته است و بین الگوهای سزاگرایانه، اصلاحی و تربیتی، ترمیمی و بازگشت، در نوسان و حرکت بوده‌اند و ضمن انعکاس آموزه‌های اسلامی از برخی از این الگوها پیروی کرده است. بنابراین، هدف پذیرش مبانی فکری متمایز در پاسخ‌گویی واکنشی به رفتار مجرمانه اطفال و نوجوانان، پذیرش دیدگاه فکری جرم‌شناسان پست مدرن است و ارزیابی تفاوت‌ها و اشتراکات این بینش فکری با مواد قانون مجازات اسلامی با رویکردی توصیفی - تحلیلی است.

کلیدواژه: پست مدرن، اطفال، نوجوانان، کشورهای اسلامی، پاسخ دهی واکنشی، حقوق کیفری.

- وجدانی فخر، عطیه؛ دارابی، شهرداد؛ پاکزاد، بتول؛ دارابی، حمید (۱۴۰۴) «اثرگذاری حقوق کیفری پست مدرن بر نظام پاسخ دهی واکنشی به جرائم اطفال و نوجوانان در کشورهای اسلامی (ایران، مصر و عربستان)». دانشگاه سمnan: مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمnan. ۱۷ (۳۹). ۲۵۰-۲۱۷.

Doi: [10.22075/feqh.2024.34889.3982](https://doi.org/10.22075/feqh.2024.34889.3982)

مقدمه

جرائم اطفال و نوجوانان یکی از نگرانی‌های اصلی است که اغلب، نوع واکنش به اعمال آنها، همواره در طول تاریخ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. زیرا روحیه لطیف و حساس انسان در سنین اولیه زندگی مقتضی واکنشی منحصر به فرد است و اقدامات واکنشی به جرائم اطفال و نوجوانان در طول زمان همراه با جرم، تکامل یافته است. در دوره اول، نوجوانان مانند بزرگسالان تنبیه می‌شدند و هدف اصلی از مجازات سرکوب بود که امروزه کاملاً متفاوت است. در زمینه مجازات مجرمان کودک و نوجوان، باید سیستم پرکاربردی پذیرفته شود که در درجه اول اولویت آن حمایت و آموزش کودکان و نوجوانان است؛ بنابراین، در قانون مربوط به مجرمین کیفری کودک و نوجوانان و حمایت قانونی از آنها باید دستورات آموزشی را معرفی کرد که هدف اصلی آن کاهش رفتار نهادی با نوجوانان و کمک به بازپروری آنها از طریق مشارکت فعال و بهبود روابط با قربانی است. برای این منظور، ارجح ترین اقدامات، اقدامات آموزشی است که هدف اصلی آن کمک رسانی است (Vučićević, 2017: 2). یکی از مسائل پیچیده و ناراحت کننده جهان امروزه که توجه بسیاری از محققین، جامعه شناسان، جرم شناسان، روان شناسان و متخصصین امر را به خود معطوف داشته، موضوع متهمین کم سن و سال و یا به اصطلاح «اطفال و نوجوانان بزهکار» می باشد روز به روز هم گسترش بیشتری می یابد. افزایش بزهکاری و ارتکاب جرم فقط مربوط به کودکان و نوجوانان نبوده، بلکه فرآیندی است که صرفنظر از سن مرتکبین اعمال مجرمانه و بزهکارانه، در سطح کلان نیز مشاهده می شود (رادمهر و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۵۵).

عدالت کیفری در جرائم اطفال و نوجوانان ایجاب می کند که اقدامات کنشی و واکنشی با توجه به شرایط اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و آموزه های حقوقی و تاریخی هر کشور اتخاذ شود. در ایران قبل از انقلاب چون تقسیم بندی جرائم و مجازات ها مبتنی بر حقوق غرب بود، بین انواع جرائم اطفال و نوجوانان تفاوت وجود

داشت و صرفاً شدت و ضعف مجازات در نظر گرفته می شد. بعد از انقلاب، کلیه جرائم از جمله جرائم اطفال و نوجوانان، به جرائم حدی، قصاص و ... تقسیم شد. در واقع مجازات ها تقسیم بندی شده و با عنایت به آن جرائم نیز قابل تقسیم بودند. در قانون ۱۳۶۱ و ۱۳۷۵، سنّ مسئولیت کیفری مطلق تعیین گردید و بزهکاران به بالغ و نابالغ تقسیم شدند. مجازات بزهکاران بالغ صرفنظر از میزان سنّ آنان یکسان بود. برای نمونه، مجازات بزهکار ذکور پانزده ساله و اناث نه ساله با مجازات بزهکار ذکور سی ساله یکی بود (سایانی، ۱۴۰۱: ۱۰۰).

به طور کلی در بسیاری از کشورهای اسلامی، مجازات می تواند برای کودکانی که مرتکب جرائم جنایی شده اند اعمال شود. این موضوع به قانون جزایی نیز مرتبط است که به گفته ون بملن، قانون و پاسخ های واکنشی مربوط به آن جرائم به اهداف، ظرفیت کاری و سازماندهی نهادهای کیفری بستگی دارد (2024 Purnamawati: 144) که در کشورهای اسلامی باید دستورات شرعی ملاک قانون گذاری قرار گیرند، تا آن قوانین برای مردم جامعه اسلامی حجیت داشته باشد. لذا با مراجعه به منابع فقهی در می یابیم که برای مسؤول دانستن اطفال و نوجوانان، روندی تدریجی در نظر گرفته می شود که مراحل آن عبارتند از: عدم مسئولیت کیفری مطلق، عدم مسئولیت کیفری نسبی، مسئولیت کیفری مطلق و مسئولیت کیفری نسبی. در این میان، عدم مسئولیت کیفری نسبی، مرحله ای است که کودک به چنان درک و شناختی از مسائل پیرامون خود رسیده است که می توان او را تحت تعقیب کیفری قرار داد و پاسخ های واکنشی مناسب تربیتی را برای او پیش بینی نمود و در این مرحله بر خلاف مرحله قبل، عدم تعقیب قانونی کودک ممکن است اثرات مضرّی بر شخصیت او بگذارد.

با پیشرفت روند رویکردهای نظری در تبیین جرم در طول تاریخ و در پرتو مکاتب فکری فرانسه و آلمان، جنبش پست مدرن فقط به دلیل این که تفسیر جدیدی از مفهوم جرم در حوزه های عدالت کیفری را روشن نمود، ایجاد گردید. رویکرد حقوق کیفری

پست مدرن، عمدتاً بر این باور است که جرم نتیجه تسلط بر نظام‌های سیاسی و فرهنگی است و از اینرو ناکارآمدی عدالت کیفری مدرن و نظام‌های هنجارساز مورد انتقاد قرار می‌گیرد، به طوری که مروجین پست مدرن در ارزیابی مفهوم جرم با کنار گذاشتن مفروضات و مفاهیم عمدی در عدالت کیفری، ردّ علت شناسی و نقد مبانی حقوقی، معنوی و مادی، لاجرم به رویکردی متفاوت روی آوردند (رضوی، ۱۴۰۰: ۷).

جرم را عمدتاً بر ساخته نظام سیاسی و فرهنگی حاکم مطرح و با انتقاد به ناکارآمدی حقوق کیفری مدرن و نظام‌های هنجارساز به ارزیابی متفاوتی از مفهوم جرم در پرتو ردّ مفروضات و مفاهیم تبعیدی حقوق کیفری می‌پردازد؛ حال آن که حقوقدانان در بسیاری از کشورهای اسلامی بر این باورند که میزان جرم و جنایت در میان جمعیت مسلمان کمتر از سایر کشورهاست. طبق پژوهش‌های بین‌المللی، دلیل اصلی این کاهش نه تنها در شدت قوانین جزایی اسلامی، بلکه در وجود ساختار اجتماعی - فرهنگی مشترک میان مسلمانان است. این ساختار، مبتنی بر آموزش‌های دینی، باورهای اخلاقی و تبعیت تقنینی، باعث ایجاد هنجارهای جمعی بازدارنده از جرم می‌شود که به‌طور مؤثر نرخ جنایت را کاهش می‌دهد (Olusegun, 2025: 6) و از این حیث می‌توان تفاوت و تناقض بارزی را میان این نوع از نگرش و جنبه‌های مختلف حقوق کیفری پست مدرن دانست. اما در برخی موارد، حقوق کیفری پست مدرن توانسته تا حدی بر قوانین کشورهای اسلامی تأثیر گذار باشد به طوری که نسخه‌هایی که اکثر فقها در رابطه با استنباط از قوانین کیفری بیان می‌کنند، از نظر قانونی قابل اجرا نیستند و به طور کلی بر اساس درک غربی از حقوق حذف می‌شوند (Breiner, 1995: 52).

(Newman, 1982:566-57; De Seife, 1994:4)

به‌خصوص در کشورهای اسلامی تحت تأثیر اندیشه‌های حقوق کیفری پست مدرن، در جرائم اطفال و نوجوانان شیوه دادرسی و واکنش‌های تعیین شده برای آنان، همواره مورد توجه قرار می‌گیرد و گام‌هایی مثبت در مسیر قضازدایی و کاهش میزان حضور این دسته از بزه‌کاران در فرایند کیفری برداشته شده است (شفیعی و رایجیان اصلی،

۱۴۰۱: ۶۳)؛ بنابراین تحلیل فلسفی و جامعه شناختی بر اساس روش ساختار شکنی دریدا نشان می دهد که آموزه های پست مدرن که تحت تأثیر اقتضائات خاص کنونی به وجود آمده اند، بر تحولات اندیشه های کیفری تأثیر گذاشته و زمینه ایجاد و شکل گیری حقوق کیفری پست مدرن را حتی در کشورهای اسلامی فراهم کرده اند.

با توجه به قلمرو عدالت کیفری کشورهای اسلامی، امروز به دلیل سرگردانی قانونگذار در خصوص چگونگی انطباق سیاست جنایی با واقعیت های علمی، اجتماعی و گزینش الگوی حقوق کیفری پست مدرن در قبال اطفال بزهکار، همچنان با چالش های متعددی روبه رو می باشند، چنان که هنوز نمی توان از یک الگوی مشخص در قلمرو عدالت کیفری اطفال سخن گفت؛ اطفال از مسئولیت کیفری مبرا هستند و در نتیجه نمی توان آنان را به دلیل ارتکاب جرم (هر نوع جرمی) سزاوار تحمل کیفر تلقی کرد و از سوی دیگر، بر اساس شماری از مواد این قانون، اطفال به جهت ارتکاب برخی جرم ها به کیفر محکوم می شوند. این سیاست، نشان دهنده وجود یک تضاد در الگوی عدالت کیفری اطفال در کشورهای اسلامی است. بنابراین سؤالاتی که در این مقاله در پی پاسخگویی به آن می باشیم، آن است که چگونه حقوق کیفری پست مدرن بر پاسخ دهی به جرائم اطفال و نوجوانان تأثیر می گذارد؟ الگوی متناسب با واکنش نظام عدالت کیفری در کشورهای اسلامی با توجه به وضعیت بزهکاران چیست و چه منطق و هدفی را دنبال می کند؟ سیاستگذاران جنایی در کشورهای اسلامی چگونه به اقدامات متعارض با قانون بزهکاران اطفال و نوجوان پاسخ می گویند؟

در نهایت در این نوشتار، با هدف تبیین مبانی اسلامی عدالت که پاسخ دهی به جرائم اطفال و نوجوانان در کشورهای ایران، مصر و عربستان بر آن استوار است، در پی کشف جایگاه دقیق و اثر گذاری حقوق کیفری پست مدرن در سه کشور یاد شده در قبال پاسخ دهی به جرائم ارتكابی توسط کودکان و نوجوانان می باشیم، زیرا به دلیل گستردگی فراوان کشورهای اسلامی بررسی تمامی آنها در این نوشتار امکان پذیر نمی باشد. ابتدا

اثرگذاری حقوق کیفری پست مدرن بر نظام پاسخ دهی واکنشی به جرائم اطفال و... — ۲۲۳

به مشخص کردن مفهوم کودک و نوجوان در سه کشور اسلامی یاد شده و مبانی حقوق کیفری پست مدرن می پردازیم.

۱- مفهوم شناسی

الف: حقوق کیفری پست مدرن^۱

جرمشناسی پست مدرن، ریشه در فلسفه گسترده تر پست مدرن دارد که ایده حقیقت عینی را رد کرده و بر نقش زبان، فرهنگ و قدرت در شکل دادن به درک ما از واقعیت تأکید می کند. در زمینه جرمشناسی، نظریه پردازان پست مدرن استدلال می کنند که جرم و عدالت مفاهیم عینی نیستند، بلکه ایده هایی اجتماعی هستند که توسط هنجارهای فرهنگی، زمینه های تاریخی و پویایی قدرت شکل می گیرند.

برای پست مدرنیست ها، جرم زمانی اتفاق می افتد که فردی از قدرت اغراق آمیز برای آسیب رساندن به دیگری بر خلاف هنجارها یا قوانین اجتماعی استفاده کند. چنین آسیبی قربانی را در معرض ضرر فوری قرار می دهد و می تواند ظرفیت قربانیان برای تولید مشترک محیط خود را کاهش یا سرکوب کند. جرمشناسی پست مدرن از شکست نظریه های مدرن در پرداختن کافی به مسائل معاصر که بر افراد در شکاف خود/جامعه تأثیر می گذارد، انتقاد می کند.

به طور خلاصه، نظریه جرمشناسی پست مدرن استدلال می کند که تجربه روزمره انسان در یک جامعه با پدیده های اجتماعی مانند نژادپرستی، سیاست، رسانه ها و اشتغال تعریف می شود. این پدیده ها پیچیدگی ها و منحصر به فرد بودن هر تجربه انسانی را ترسیم می کنند. بنابراین، اگر جرم شناسان قصد طراحی

1. Postmodern criminal law

راه حلّ های قابل اجرا برای جرم را دارند، نمی توان آنها را نادیده گرفت
(Stangrum and Garvey, 1389: 153).

پست مدرنیسم رویکردی بر آمده از انگاره ها و پیش فرض ها است که خود را در تقابل با انگاره ها و پیش فرض های مدرنیسم می شناساند. پست مدرنیسم، نه مرز تاریخی خاصی را بر می تابد، و نه به متفکر یا مکتبی خاص منحصر می شود (شاملو و کاظمی جویباری، ۱۳۹۴: ۴۵). همچنین پست مدرنیسم را نه یک وضعیت، نه یک گرفتاری و مخصمه می داند؛ بلکه به نظر هبدايگ در آن اهداف و مقاصد و تعاریف و تأثیرهای معارض و رقیب، و گرایش ها و نیروهای اجتماعی و فکری گوناگون همگرایی و تصادم پیدا می کنند (بنت، ۱۳۹۳: ۵۵).

رویکردهای متعددی در نظریه جرمشناسی پست مدرن وجود دارد، از جمله تحلیل آشوب، نظریه انتقادی و نظریه سازنده. نظریه سازنده، به ویژه، در سال ۱۹۸۹ توسط دراگان میلووانوویچ و استوارت هنری ارائه شد. این استدلال می کند که انسان ها مخلوقات مستقلی نیستند، و نه دارای اراده آزاد هستند. در عوض، آنها هویت های اجتماعی هستند که از طریق تعاملات مشترک آنها در رسانه های ساختاری - فرهنگی مانند ساختار اجتماعی و جامعه شکل می گیرند. این فعل و انفعالات محیط آنها را تولید می کند که به نوبه خود هویت آنها را بازتولید می کند. هنگامی که انسان ها بر روی ایدئولوژی علت و پیشگیری جرم تمرکز می کنند، جوهر جرم شکل می گیرد (https://study.com/).

پست مدرنیست ها جرم را به عنوان یک ساختار اجتماعی تعریف می کنند که توسط قوانین و نهادهایی که مردم در برابر رفتارهای مضر ایجاد کرده اند، تعریف می شود. اگر این رفتار مضر رخ دهد، توانایی دیگران را برای مشارکت در توسعه

انسانی سرکوب یا کاهش می دهد و در نتیجه، جرم محسوب می شود. مفهوم مهم دیگر در جرمشناسی پست مدرن، ایده ذهنیت است. نظریه پردازان پست مدرن استدلال می کنند که افراد صرفاً موجوداتی منفعل نیستند که توسط نیروهای اجتماعی بیرونی عمل می کنند، بلکه سوژه های فعالی هستند که به طور فعال، واقعیت های خود را از طریق زبان و گفتمان می سازند. در زمینه جرم و عدالت، این نشان می دهد که رفتار مجرمانه صرفاً نتیجه عوامل اجتماعی بیرونی نیست، بلکه محصول ذهنیت و عاملیت فردی است (Bast, 1993: 104).

یکی از ایده های کلیدی در جرمشناسی پست مدرن، مفهوم «هیپروواقعیت» است. این به این ایده اشاره دارد که درک ما از واقعیت، مبتنی بر واقعیت های عینی نیست، بلکه بر تصاویر و نمادهای ساخته شده استوار است که از طریق اشکال مختلف رسانه ها و ارتباطات واسطه می شوند. در زمینه جرم و عدالت، فراواقعیت نشان می دهد که درک ما از جرم به جای این که براساس آمار واقعی جرم یا شواهد تجربی باشد، با بازنمایی رسانه ای از جنایت و جنایتکاران شکل می گیرد.

جرمشناسی پست مدرن، نشان دهنده انحراف قابل توجهی از نظریه های جرمشناسی سنتی است و بر اهمیت حقایق عینی و شواهد تجربی تأکید می کند. در حالی که جرمشناسی پست مدرن به دلیل تأکید بر ذهنیت و ردّ حقیقت عینی مورد انتقاد قرار گرفته است، به درک دقیق تری از عوامل پیچیده اجتماعی و فرهنگی که رفتار مجرمانه و نظام عدالت کیفری را شکل می دهند کمک کرده است، زیرا درواقع حقوق کیفری پست مدرن با ویژگی هایی مانند: شک گرای، ذهنیت گرایی و بدینی نسبت به عقلانیت ایجاد گردید. بسیاری از جرم شناسان از جنبه های پست مدرنیسم به عنوان نقد یا منبع الهام استفاده می کنند اما تنها

تلاش توسعه یافته برای بازنگری در موضوعات و مضامین اصلی جرم‌شناسی از نظر نظریه‌های پست مدرن، جرم‌شناسی سازنده هنری و میلووانوویچ و دیگران است (Henry and Milovanovic, 1996: 69).

بنابراین جرم‌شناسی پست مدرن که جرم‌شناسی انتقادی نیز نام دارد، جرم را محصول بسترهای اقتصادی و اجتماعی نامتوازن می‌داند که محصول نظام سرمایه داری و به مثابه واکنشی علیه نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی است. این تئوری بر سه عنصر: ذهنیت، قدرت و گفتمان تأکید داشته است. رویکردهای برچسب زنی، تضاد، پست مدرن و فمینیستی و جرم‌شناسی فرهنگی از مهم‌ترین رویکرد های انتقادی جدید در تبیین جرم است که این سه ویژگی در بطن آنها وجود دارد. البته جرم‌شناسی پست مدرن ضمن این که انتقادی است ولی بر ورای سایر جرم‌شناسی‌های انتقادی قرار می‌گیرد؛ چرا که رویکردهای دیگر چندان پروسه مدرنیته و جرم‌شناسی مدرن را نقد نمی‌کنند ولی جرم‌شناسی پست مدرن کلّ مدرنیته و نگاه کنترلی آن را به جهان ردّ می‌کند. گفتمانی بودن، ذهنی بودن و تأکید بر عنصر قدرت، سه ویژگی رویکرد پست مدرنیسم به مسأله جرم و کجروی است. تفکر اثباتی مدرن ادّعا می‌کرد که جرم‌شناسی تلاش علمی و عقلانی برای بررسی پدیده جرم است و در این راستا عمدتاً به ارائه تئوری‌های کلان و عقلانی درباره روابط میان فرد، ارزش‌های فرهنگی و ساختار اجتماعی پرداخت، ولی تفکر پست مدرن این نوع نگاه را به چالش کشید و پروژه مدرن توسعه ابزارهای علمی و عینی را برای کمک به جامعه گمراه‌کننده و زاید می‌داند. بنابراین یکی از نظریه‌های جرم‌شناسی انتقادی که از دهه ۱۹۹۰ میلادی متولد شده و تبیینی نظام‌مند از پست مدرنیسم را وارد نوشتگان جرم‌شناسی کرد،

جرم‌شناسی پست مدرن یا التقاطی است. حقوق کیفری پست مدرن جرم را عمدتاً بر ساخته نظام سیاسی و فرهنگی حاکم مطرح و با انتقاد به ناکارآمدی حقوق کیفری مدرن و نظام های هنجارساز به ارزیابی متفاوتی از مفهوم جرم در پرتو ردّ مفروضات و مفاهیم تعبّدی حقوق کیفری ردّ علّت شناسی علمی و عقلانی نقد عناصر قانونی، مادی و معنوی جرم پرداخته است که استفاده از ابزارهای مفهومی آن پتانسیل توسعه درک بهتری از پیکربندی های مختلف نیروهای سرکوبگر و جهت گیری های تغییر اجتماعی را ارائه می دهد.

ب: اطفال و نوجوانان

طفل در اصطلاح حقوقی به کسی اطلاق می گردد که از نظر سنّ، به نموّ جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد (عبادی، ۱۳۷۵: ۵). در حقوق داخلی بسیاری از کشورها، سنّ معینی برای طفل در نظر گرفته می شود که نشان دهنده رشد جسمی و روحی است.

طبق قوانین و مقررات ایران، از یک سو، به موجب ماده واحده الحاق ایران به کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ (مصوب ۱۳۷۲)، همه افراد زیر هجده سال در شمول کودکان و نوجوانان قرار می گیرند. از سوی دیگر، این سنّ با توجه به مقررات بلوغ در قانون مدنی و مقررات ازدواج پیش از بلوغ در قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ برحسب مورد، تخصیص خورده است. از اینرو، معیار سنّی واحدی برای تعریف کودکی و نوجوانی در حقوق ایران وجود ندارد و در هر مورد باید مقرره خاصّ ناظر بر آن را مالک قرار داد. پس در حقوق ایران، کودک به کسی اطلاق می گردد که از نظر سنّی، به رشد کامل جسمی و روحی برای شرکت در موضوعات اجتماعی و خانوادگی نرسیده باشد؛ بنابراین اصل بر این است که کودک با رسیدن به سنّ معینی از نظر طبیعی و قوای هوشی، تحوّل کلی پیدا کرده و از نظر روحی و جسمی، آمادگی شرکت در زندگی اجتماعی و خانوادگی پیدا می کند (نجفی ابراندآبادی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۳۳). اما به

طور کلی، قانونگذار ایران پس از انقلاب اسلامی، با قرار دادن معیار بلوغ شرعی، کودکان و نوجوانان بالغ زیر هجده سال را دارای مسئولیت کیفری کامل در نظر گرفت. همچنان که طبق تبصره یک ماده ۳۰۴ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲، طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است. از آنجائی که حد بلوغ شرعی در ماده ۱۴۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ برای دختران نه و برای پسران پانزده سالگی عنوان شده است به نظر می رسد طبق این قانون، به ترتیب دختران و پسران بالای نه و پانزده سال بزرگسال محسوب می شوند، اما با تصویب ماده ۸۸ و ۸۹ ق.م.ا، به تأسی از قوانین پیش از انقلاب، مسئولیت کیفری تدریجی با رویکردی غیر جنسیتی برای کودکان و نوجوانان نه تا هجده سال در جرائم تعزیری به رسمیت شناخته شد. در نهایت، با توجه به جدیدترین قانون، یعنی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ می توان گفت که کودک بر فردی که به بلوغ شرعی نرسیده است (بند الف ماده ۱)؛ یعنی دختر تا نه و پسر تا پانزده سالگی، و نوجوان بر افراد زیر هجده سال که به بلوغ شرعی رسیده اند اطلاق می گردد (بند ب همان ماده).

در حقوق کشور مصر ماده ۲ قانون اطفال مصر مقرر می دارد: طفل کسی است که کمتر از هجده سال سن داشته باشد و طفلی که کمتر از هفت سال باشد، به طور کامل از مسئولیت مبرا است (عوین، ۲۰۰۹: ۱۸). در واقع، در ماده ۲ اصلاح شده قانون اطفال در زمینه مراقبت از کودک مقرر می دارد: هر کس از سن هجده سال تمام میلادی تجاوز نکرده باشد. البته کودکان زیر هفت سال در کشورهای مذکور به طور کلی فاقد مسئولیت بوده، و اطفال بین هفت تا هجده سال دارای مسئولیت کیفری نسبی اند.

این امر بر ارکان مهم مربوط به حمایت و مراقبت از کودکان و مادران مصر متمرکز شده است که مهم ترین آنها عدالت اجتماعی، فرصت های برابر، برابری، عدم تبعیض، آزادی و کرامت انسانی و تعهد دولت به انجام آنهاست.^۱ بنابراین طبق قانون مصر، اطفال

1. <https://hrightsstudies.sis.gov.eg/>

و نوجوانان به چهار دسته تقسیم می شوند؛ اطفال: از بدو تولد تا هفت سالگی. فرض بر این است که این اطفال به صورت کلی فاقد مسئولیت کیفری هستند، زیرا فاقد قوه تمیز می باشند؛ اولاد: مراد از اولاد، اطفال و نوجوانان هفت تا دوازده ساله است. در مورد این دسته، تدابیری از قبیل تحویل به والدین و مراقبت و حمایت انجام می گیرد. مراقبون: این دسته شامل نوجوانان دوازده تا پانزده سال است. فتيان: افراد پانزده تا هجده سال در صورت ارتکاب جرم، مسئولیت کیفری ناقص دارند و مجازات های مخفف در مقایسه با مجازات افراد بالغ، نسبت به این دسته اعمال می شود. در نتیجه، سن تعقیب کیفری در حقوق کیفری مصر، هفت سالگی است اما در صورت ارتکاب جرم توسط اطفال، قبل از این سن نیز می توان تدابیر مناسب نسبت به مرتکب جرم اتخاذ کرد (وزیری، ۱۳۹۹: ۱۰۱).

در کشور عربستان کودک به عنوان فردی زیر هجده سال تعریف می شود، مگر این که قوانین ملی، سن قانونی را پائین تر تعیین کند. همه حقوق بدون استثناء، شامل همه کودکان می شود و این وظیفه دولت است که از کودکان در برابر هر نوع تبعیض محافظت کند و برای ارتقای این حقوق به طور مثبت تلاش کند (<https://www.unicef.org/>) زیرا همه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از زمان طلوع اسلام، احکام خاص جرائم و مجازات خود را طبق این شریعت نهادند و همچنان در این شرایط باقی ماندند تا این که قوانین جدیدی برای این منظور وضع شد؛ به استثنای عربستان سعودی که متعهد به اعمال سیستم مقررات قانونی عینی حاکم بر جرائم است (الیاس، ۲۰۱۴: ۴۶). در نظام عربستان، برای اثبات بلوغ فرد، از دلایل مثبت روحی و روانی استفاده نمی شود بلکه این قاضی است که تشخیص می دهد فرد متهم، مکلف و رشید است یا خیر (عبدالعزیز الحکمی، ۲۰۱۷: ۳۹). با این حال، قانون عربستان نیز از معیار سن برای مسئولیت کیفری استفاده کرده است. طبق ماده ۱ قانون شماره ۱۴ مصوب ۱۴۳۶ قمری، حدث، کسی است که به ۱۸ سالگی نرسیده است (همان: ۳۷).

طبق ماده ۱ قانون حمایت از اطفال عربستان به شماره ۳۶ مصوب ۱۴۳۶: دوره غیر ممیز بودن طفل از بدو تولد تا هفت سالگی میلادی است. در این سن، کودک نسبت به هر اقدام قضایی، غیر ممیز شناخته می شود (همان: ۴۱). به طور کلی در فقه و حقوق اسلامی از زمان بسته شدن نطفه و استقرار آن در رحم مادر تا زمانی که فرد به حد بلوغ برسد بر آن کودک اطلاق می گردد. در واقع، پایان کودکی، ناظر بر بلوغ فرد است که مراد از آن، آغاز مرحله ای از زندگی است که از یک سو با پدید آمدن برخی دگرگونی های جسمی، از جمله شکوفایی غریزه جنسی، آمادگی توالد و تناسل به وجود می آید و از سوی دیگر، قوای عقلی، ادراکی و روانی رشد می یابد. بالغ شدن، معیار ورود از دوره کودکی به بزرگسالی است و سن، فقط یکی از آماره های بلوغ است. در میان فرق اسلامی، فقهای امامیه اکثراً سن بلوغ را برای پسر ۱۵ سال و برای دختر ۹ سال قمری می دانند. شافعیان و حنبله، سن بلوغ را در دختران و پسران ۱۲ سالگی، مالکیان ۱۷ سال و حنفیان سن بلوغ را برای پسران ۱۱ سال و برای دختر ۱۷ سال ذکر کرده اند (علامه حلی، ۱۹۹۸: ۲۴۰).

۲- تأثیر حقوق کیفری پست مدرن در پاسخ دهی به جرائم اطفال و نوجوانان

۲-۱- در ایران

هر جامعه ای در قبال پدیده مجرمانه، واکنش هایی از خود نشان می دهد که حفظ نظم و منافع عمومی و حمایت از افراد و حقوق آنها، ضرورت اعمال چنین واکنش هایی را در مقابل قانون شکنان ایجاب می کند. با توجه به تفاوت های آشکاری که میان سیستم های عدالت کیفری وجود دارد، رویکرد کشور ایران در پاسخ به پدیده مجرمانه، متفاوت است. با این حال، در نظام های حقوقی داخلی در خصوص نحوه عکس العمل در قبال رفتار مجرمانه کودکان و نوجوانان معارض با قانون، طیف وسیعی از انواع واکنش ها پیش بینی شده است (مؤذن زادگان، ۱۳۸۸: ۱۳۵).

با توجه به افزایش آمار بزهکاری اطفال و نوجوانان، حساسیت و شرایط خاص آنها، ضرورت استفاده از علم جرم‌شناسی پست مدرن و استفاده از واکنش های متناسب و متنوع از سوی قانونگذار در مقابل جرم به عنوان واکنشی روانی بر اساس منطق فازی حقوق کیفری پست مدرن ضروری به نظر می رسد (احمدی، ۱۴۰۱: ۹۸).

رویکر حقوق کیفری پست مدرن بر آن است که اقدامات واکنشی نسبت به جرائم اطفال و نوجوانان باید با توجه به شرایط اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و آموزه های حقوقی و تاریخی هر کشور اتخاذ شود؛ زیرا اغلب کودکان و نوجوانان، تحت تأثیر آن شرایط دست به ارتکاب جرم می زنند. قبل از انقلاب اسلامی ایران چون تقسیم بندی جرائم و مجازات ها مبتنی بر حقوق غرب بود، بین انواع جرائم اطفال و نوجوانان تفاوت وجود داشت و صرفاً شدت و ضعف مجازات در نظر گرفته می شد. برابر حقوق کیفری پست مدرن (به عنوان شاخه ای از جرم‌شناسی انتقادی)، توسل به حقوق کیفری باید در آخرین مرحله و در کمترین سطح ممکن برگزیده شود. رعایت اصول حقوق شهروندی متضمن این معناست که به غیر از موارد ضروری، حقوق کیفری مداخله ننماید. عدم رعایت این قاعده، موجب تورم حقوق کیفری و جرم انگاری و کیفرگذاری می شود. در نهایت، عدم رعایت نظریه حداقل مداخله، خود عاملی برای افزایش تعداد جرائم می گردد. مطابق این نظریه، هرچه سن مسئولیت کیفری (سن محکومیت کیفری) کمتر باشد احتمال تکرار جرم در بزرگسالی و تبدیل نوجوان بزهکار به بزهکار حرفه ای بیشتر خواهد بود. در مقابل پیشنهاد کمترین مداخله حقوق کیفری، این نظریه به جایگزینی طرق و نهادهای غیر کیفری به منظور اجتماعی سازی و هنجارپذیری طفل اعتقاد دارد. در نتیجه، در خصوص اطفال و نوجوانان تا جای ممکن باید جرائم سبک را دارای وصف کیفری محسوب نکرد (آبروشن و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۱۷).

بر اساس رویکرد حقوق کیفری پست مدرن - که به نوعی بر حقوق کیفری داخلی ما در زمینه برخورد با جرائم اطفال و نوجوانان نیز تأثیر گذاشته - دیدگاه غالب آن است

که کودکان به دلیل شرایط و محیط اجتماعی شان، مسئولیت کیفری ندارند. در این نگرش، کودک بزهکار بیشتر به عنوان «قربانی» دیده می‌شود تا مجرم، و در نتیجه، مسئولیت اصلی بزهکاری او متوجه والدین، محیط خانواده و ساختارهای اجتماعی است، نه خود کودک؛ بنابراین، اعمال مجازات کیفری مستقیم بر کودک، با این دیدگاه همراستا نیست. تا زمانی که کودک به بلوغ برسد، مسئولیت بر عهده والدین است. در این زمینه، روشن است که شریعت اسلام، نقشی حیاتی برای والدین در مراقبت، تعلیم و تربیت فرزندان‌شان فرض می‌کند و زمانی که آنها به بلوغ برسند، مکلف هستند و می‌توانند مسئولیت خود را بر عهده بگیرند. (Alamsyah & V. Pillai, 2022)

در حقوق کیفری ایران، اگرچه آیین نامه اجرایی مددکار اجتماعی مصوب ۲۶ شهریور ۱۳۷۹ وجود دارد، اما بر اساس قانون مجازات همان دهه و مقررات موجود در قانون، تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۶ بهمن ۱۳۶۴ انجام گرفت. اما مددکار اجتماعی در قانون سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۸۴ و در آیین نامه قانون اصلاح و تربیت برای زندانیان دارای سن بالای ۱۸ سال است؛ در حالی که باید مددکار اجتماعی برای مراقبت اجتماعی و همگام ساز و تربیت کودک مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارها اجتماعی پیش‌بینی گردد و این را می‌توان غایت نظام تقنینی اقدامات تأمینی و تربیتی دانست (شاملو و حسینی، ۱۳۹۹: ۷۶) در حالی که در قانون آیین دادرسی کیفری، به حضور مددکار در دادگاه اطفال و نوجوانان تأکید شده است و به موجب ماده ۴۱۳ آیین دادرسی کیفری، مددکار اجتماعی باید در دادگاه اطفال و نوجوانان حضور داشته باشد، اما در حال حاضر مددکار اجتماعی در دادگاه حضور ندارد (<https://socialwork.ir>).

باید امکاناتی فراهم شود تا نهادها و سازمان‌هایی که با اطفال و نوجوانان در ارتباط هستند کنار هم جمع شوند و مددکاران اجتماعی و مشاوران در کنار قضات دادگاه‌های

اثرگذاری حقوق کیفری پست مدرن بر نظام پاسخ دهی واکنشی به جرائم اطفال و... — ۲۳۳

اطفال و نوجوانان برای واکنش و پاسخ دهی مناسب به جرائم اطفال و نوجوانان حضور داشته باشند. علاوه بر این باید مددکاران، کودکان و نوجوانانی را که به دلیل شرایط اقتصادی و اجتماعی نه چندان مطلوب در معرض ارتکاب جرم هستند مورد حمایت و مشاوره قرار دهند.

اشاره به این نکته ضروری است که پست مدرنیست ها همانند جرم شناسان آنارشیست، صاحب منصبان را عوامل سلطه ای در نظر می گیرند که به بهای بی توجّهی به دیگران در خدمت یک یا چند گروه خاص هستند. آنها جرم شناسی سنتی و مرسوم در کشورهای اسلامی را به دلیل امتناع از بررسی جامعه به عنوان یک کلّ و در حقیقت به دلیل جدا در نظر گرفتن مردم از جامعه، نادیده گرفتن ساختار قدرت و بی توجّهی به جامعه شناسی حقوق، محکوم کرده اند. به عبارتی، به کلّ نگرانی معتقد بوده و جامعه را متشکل از یک سیستم کلی می داند که تمام انسان ها را در بر گرفته و بر آنها تأثیر می گذارد؛ لذا هر تصمیمی در یک سازمان و دولت، بر همه شوون و شرایط جامعه انسانی تأثیر می گذارد (ویلیمز، ۱۳۸۳: ۱۹۰). در این رویکرد، هر کس به عنوان یک کلّ در جامعه، به نوبه خود مسئول است و حاکمیت به خاطر این که شرایط ارتکاب جرم را فراهم می کند، مسئول جرائم ارتكابی در جامعه است؛ چون اعمال انسان ها تحت تأثیر کلیت جامعه و تصمیم گیری گروه حاکم است. بنابراین، این جرم شناسی با تجدیدنظر در تعاریف و مفاهیم سنتی و رایج جرم و قانون و مجازات و به چالش کشیدن آنها، معتقد است نابرابری اقتصادی و اجتماعی، و معضل جرم با یکدیگر رابطه علیت دارند. هدف حقوق کیفری پست مدرن در کشورهای اسلامی، را فراهم آوردن مجال مشارکت کامل افراد در جامعه و فرآیند قانونگذاری می داند، بدون آن که عواملی مانند نژاد، قومیت، جنس و طبقه مجال اثرگذاری بر این مشارکت بیابد. این جرم شناسی از یک سو، زمینه را برای شناخت اطفال و نوجوانان فراهم آورده است و از سوی دیگر،

فہم این نکتہ را ممکن ساخته است کہ چگونه جرم انگاری اعمال گروہ ہای یاد شدہ، بہ در معرض ارتکاب قرار گرفتن ہرچہ بیشتر آنان می انجامد.

در واقع، حقوق کیفری پست مدرن بہ الگوی پاسخ دہی واکنشی بہ جرائم اطفال و نوجوانان در حقوق داخلی کشور ما مبتنی بر این امر است کہ بہ جای مَتَّہم و بزہکار، خود مَتَّہم کنندگان و برچسب مجرمیت زندگان بہ بزہکار و دست اندرکاران نظام عدالت کیفری را محکوم کردہ و ادعا می کنند کہ روش ہای برخورد صاحبان قدرت با بزہکار و طرز نگرش آنان، مشکلات مربوط بہ بزہ را تشدید نمودہ و یا حتی باعث خلق آن می شود. در واقع، تمرکز و سخن اصلی پست مدرنیسم این است کہ چون جرم در جامعہ مدرن، محصول نابرابری و بی عدالتی ساختار و نظام عدالت کیفری بودہ و نوعی واکنش بہ این بی عدالتی جامعہ محسوب می شود، لذا نمی تواند قبیح باشد و مرتکبان آن نباید مسئولیت داشتہ باشند؛ چون اقداماتشان مشروع بودہ و مجبور بہ ارتکاب جرم هستند. از دیدگاہ جرمشناسی پست مدرن، راہ حلّ این مشکل در این است کہ مقرراتی وضع شود کہ از نابرابری ہا و تبعیض ہا در جامعہ بہ دور باشد و تمام طبقات و فرہنگ ہا و اقلیت ہا را دارای حقوق یکسان بداند.

جرم شناسان انتقادی (بہ طور عام) و جرم شناسان پست مدرن (بہ طور خاص) معتقدند بزہکاری در خیلی از جوامع، ناشی از سیاست ہای ضدّ حقوق بشری دولتمردان حاکم است؛ بنابراین مسئول واقعی، خود این دولت مردان هستند کہ مرتکب جرائم سرکوب کنندہ علیہ شهروندان می شوند. از دیدگاہ آنان پیشگیری واقعی از بزہکاری، زمانی محقق خواہد شد کہ دولت ہا نسل ہای چهارگانہ حقوق بشر (اعم از حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرہنگی، حقّ بر محیط زیست و امنیت) را کہ در منشور بین المللی حقوق بشر و سایر اسناد بین المللی پیش بینی شدہ است، تضمین نمایند (صادقی، ۱۳۹۵: ۱۷۶).

عربستان سعودی یکی از تأثیرگذارترین کشورهای مسلمان خاورمیانه است که دارای سلطنت غیر مشروطه بر اساس قوانین سنتی اسلامی است؛ سیستمی که در آن اصلاحات و تغییر بسیار کند است (اسماعیلی، ۲۰۰۹: ۲) اما استقرار نهادها و نظریه های پست مدرن و نوسازی نظام حقوقی در عربستان سعودی منعکس کننده داستان تضاد بین سنت و مدرنیته و سنت گرایی و عقل گرایی است.^۱ این تعارض مختص به جامعه عربستان سعودی را می توان در دیگر کشورهای خاورمیانه یافت. نهادها و اصول حقوقی که تحت تأثیر نظریه های پست مدرن ایجاد گردیده، ناگزیر باید موجبات تغییر در سیستم دادگاه و روند رسیدگی های قضایی (به دلیل تفاوت اساسی با ساختارهای سنتی قبیله ای) را فراهم آورد.

تأسیس چنین مؤسساتی و معرفی اصول حقوقی پست مدرن در کنار شریعت می تواند تأثیر مثبتی هم در ساختار قبیله ای و هم نظام سنتی شریعت در حرکت رو به جلو، خصوصاً در برخورد با اطفال و نوجوانان بزهکار داشته باشد، زیرا جرمشناسی پست مدرن به دلیل آموزه های نوین جرم شناختی، کیفرشناختی، فلسفی و تعریف جدید از حقوق کیفری و تأکید بر عوامل ساختاری بزهکاری یعنی نژادپرستی، تبعیض جنسیتی و قومیتی، ایجاد گفتمان های جایگزین و صلح جوانه، تغییر و اصلاح ساختارهای غالب و سیستم های نهادی سلطه برای پیشگیری از بزهکاری می تواند در پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان در کشور عربستان نقش مهمی ایفا کند.

در کشور عربستان، ماده ۳۹ قانون اجراءات جزایی عربستان، مقرر می دارد که توقف و دستگیری افراد زیر سن پانزده سال مجاز نیست، مگر این که در جرائم مهم و توسط بازپرس و با تأیید اداره صورت گیرد و دستگیری افراد زیر یازده سال به صورت مطلق مجاز نیست. قانون عربستان، هفت سالگی را پایان دوره عدم تمیز و پانزده سالگی را

1. See YAMANI, supra note 93, ch. 6. On the challenge of modernity in Saudi Arabia, see generally, FOUAD AL-FARSI, MODERNITY AND TRADITION: THE SAUDI EQUATION (Kegan Paul Int'l 1991)

پایان دوره مسئولیت کیفری ناقص می داند (الیاس، ۲۰۱۴: ۷۲). همچنین طبق قانون عربستان، سنّ مسئولیت کیفری هفت سالگی تا بلوغ است که شریعت اسلام نوع و ماهیت مجازات تأدیبی - که باید نسبت به احداث انجام گیرد - را مشخص نکرده است؛ بنابراین تأدیبی که براساس زمان و مکان مناسب تر است در نظر گرفته می شود (همان: ۷۴).

در نتیجه، براساس قانون عربستان می توان اطفال و نوجوانان را به چهار دسته تقسیم کرد: اطفال از بدو تولد تا هفت سالگی: در این دوره، اطفال هیچگونه مسئولیت کیفری ندارند و همچنین هیچگونه اقدام تأدیبی نسبت به جرائم ارتكابی توسط آنها انجام نمی گیرد.

اطفال و نوجوانان از هفت تا یازده سالگی: براساس نظام عربستان، کودک هفت ساله دارای تمیز است اما دستگیری این اطفال به صورت مطلق مجاز نیست و تنها تدابیر تربیتی نسبت به این دسته انجام می شود.

اطفال و نوجوانان از یازده تا پانزده سالگی: در این دوره نیز فرد ممیز شناخته می شود و تدابیر تأدیبی نسبت به او انجام می گیرد؛ با این حال، مسئولیت کیفری ندارد و تفاوتش نسبت به مرحله قبل، اتخاذ تدابیری شدیدتر است.

نوجوانان از پانزده تا هجده سالگی: این دسته از نوجوانان دارای مسئولیت کیفری ناقص هستند. بنابراین می توان اینگونه بیان داشت که در این کشور نیز تحت تأثیر رویکر حقوق کیفری پست مدرن، پاسخ واکنشی به جرم اطفال و نوجوانان بزهکار بدون در نظر گرفتن نوع جرم، با در نظر گرفتن رأفت اسلامی و تفکر پست مدرنیته و فازی کردن سیستم در محاکمات و همچنین مواد تصریح شده در قانون مجازات (سنّ، وضعیت، موقعیت و نظایر اینها)، رابطه معناداری در اکثر جرائم با اعمال کیفر وجود دارد (کاسکو، ۱۴۰۱: ۳۳۸).

بنابراین، برخی پاسخ های پیش بینی شده در رابطه با الگوی پاسخ دهی به جرائم اطفال و نوجوانان، با هدف آموزش اطفال و نوجوانان بزهکار با همکاری جامعه به عمل می آمده و نشأت گرفته از عدالت ترمیمی است. از منظر عدالت ترمیمی، جرائم به طور کلی و جرائم اطفال به طور خاص، به عنوان یک خطای اجتماعی تلقی می شود تا این که آن را اقدامی علیه دولت یا امنیت جامعه تصور کرد. بنابراین، این عدالت به دنبال راه حل هایی است که به جبران خسارت ناشی از این خطا برای طفل، جامعه و بزه دیده منجر شوند. راه حل ها و تدابیر این عدالت، بیشتر ترمیمی و غیر کیفری بوده به نحوی که هدف از این تدابیر را می توان در تربیت اخلاقی طفل و وارد ساختن وی در دنیای هنجارهای زندگی اجتماعی دنبال کرد که برای رسیدن به این هدف باید طرز شکل گیری شخصیت و استحکام آن و رابطه فرد با اجتماع مورد بررسی قرار گیرد. برای اولین بار در قانون جدید با تأسی از سایر کشورها همچون فرانسه، بلژیک و جنبه های مختلفی از این تدابیر را برای گروه سنی ۷ تا ۱۱ سال که بیشتر ترمیمی و تربیتی می باشند، پیش بینی کرده است.

۳-۲- در مصر

در کشور مصر طبق قانون شماره ۱۲ مصوب ۱۹۹۶، اگر کودک قبل از هفت سالگی در معرض انحراف باشد، تدابیری نسبت به او انجام می گیرد؛ مانند تحویل یا سپردن به یک بیمارستان تخصصی؛ حال، اگر کودک هفت تا هجده ساله در معرض انحراف باشد اقداماتی نظیر اخطار کتبی به سرپرست انجام گرفته و فرد به یکی از تدابیر مقرر در ماده ۱۰۱ قانون مذکور محکوم می شود. این تدابیر شامل: توبیخ، تحویل، سپردن به یک مؤسسه حمایت اجتماعی و ... می باشد. اگر کودک قبل از هفت سالگی، مرتکب تخلف شود، مسئولیت کیفری ندارد. اگر بین هفت تا پانزده سال سن داشته باشد، یکی از تدابیر ماده ۱۰۱ قانون کودک نسبت به او انجام می گیرد و اگر نوجوان پانزده تا هجده ساله باشد، قواعد کلی ماده ۱۴۳ نسبت به فرد قابل اجراست. نسبت به ارتکاب

جنحه نیز کودک قبل از هفت سالگی مسئولیت کیفری ندارد. فرد هفت تا پانزده ساله نیز مشمول اقدامات مقرر در ماده ۱۰۱ می شود. در مورد نوجوانان پانزده تا هفده سال، قواعد کلی ماده ۱۴۳ انجام می گیرد و قاضی مجاز است به جای حکم حبس، حکم به آزمایش قضایی یا سپردن کودک به یک مؤسسه دهد. اما در مورد افراد هفده تا هجده سال قواعد کلی بدون اعمال تخفیف حکم داده می شود. در مورد انجام جنایات توسط افراد، کودکان تا هفت سالگی مسئولیت کیفری ندارند؛ با این حال، تدابیری نسبت به فرد انجام می گیرد. افراد هفت تا پانزده سال مانند قبل مشمول تدابیر ماده ۱۰۱ می شوند اما در مورد نوجوانان پانزده تا شانزده سال و شانزده تا هجده سال مجازات اعدام تبدیل به حبس، و حبس های بلند مدت به حبس های کوتاه مدت تبدیل می شود (لقائی، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

در کشور مصر، الگوی پاسخ دهی به جرائم اطفال و نوجوانان زیر سن ۱۷ سالگی را می توان یک رشته وسایل دفاع اجتماعی تلقی نمود که به حکم قانون و توسط قاضی و بر اثر وقوع جرم متناسب با وضع مزاجی و استعداد و منش و سوابق فرد خاطی و خطرناک به کار برده می شود تا او بهبود یابد و با اجتماع سازگار گردد و دست به تکرار جرم نزند. در این تدابیر، جامعه به دنبال کیفر رساندن یا تلافی کردن رفتار مجرمانه نیست بلکه آن چیزی که مهم است تأمین امنیت و آرامش جامعه در قبال افراد و زمینه های تسهیل کننده جرائم است. مهم ترین ویژگی این اقدامات، نداشتن رنگ اخلاقی، نامعین بودن مدت، قابلیت تجدیدنظر، ارباب کننده و تحقیر آمیز و رنج آور نبودن است و مطابق با آن چه که گفته شد اینگونه تدابیر، تحت تأثیر یافته های حقوق کیفری پست مدرن و از یافته های بزه دیده شناسی است و با توجه به کارایی نامطلوب عدالت کیفری در زمینه بازدارندگی و بازپروری بزهکاران، اجرای عدالت ترمیمی در نظام کیفری مورد توجه قرار گرفته است. مقرراتی که در راستای حمایت هرچه تمام از این قشر مهم و تأثیرگذار اجتماع وضع گردیده اند و به نوعی نشانگر توجه و سطح فرهنگ فعلی جامعه

مصر می باشد؛ هرچند که این اقدامات لازم بوده است اما قطعاً هنوز جای اقدام و تعالی خواهد داشت.

ماده ۹۴ قانون شماره ۱۲ مصوب ۱۹۹۶ که توسط قانون شماره ۱۲۶ مصوب ۲۰۰۸ اصلاح شده است بیان می دارد که مسئولیت کیفری بر کودکی که در زمان ارتکاب جرم، بیش از دوازده سال سن داشته باشد و عملی مرتکب شود که یک جنایت یا فساد باشد، بار می شود و دادگاه کودک به تنهایی صلاحیت دارد که به موضوع رسیدگی کند (عبدالعزیز الحکمی، ۲۰۱۷: ۴۷). بنابراین، در رابطه با جرائم اطفال و نوجوانان در کشور مصر، مؤلفه های حقوق کیفری پست مدرن، برای بسیاری از جرائم کم اهمیت که از سوی بزهکاران اطفال و نوجوان صورت می گیرد، کیفر آنها براساس روح قوانین خشک، ناعادلانه به نظر نمی رسد؛ بدین خاطر که به اقتضای شرایط و عوامل دخیل در هنگام وقوع جرم، شرایط خاص فرد بزهکار و تأثیرپذیری او از محیط، می توان جرم صورت گرفته را براساس مبانی فازی (غیر قطعی) و جدیدی تشریح کرد.

وجه مشترکی که در رابطه با الگوی پاسخ دهی به جرائم اطفال و نوجوانان تحت تأثیر رویکرد حقوق کیفری پست مدرن در کشور مصر ایجاد گردیده، آن است که مطابق اعلامیه حقوق بشر ۱۹۴۸ که متشکل از ۳۰ ماده است، ماده ۲۵ مقرر می دارد که برا همه کودکان بزهکار، حق داشتن و بهره مندی از حمایت اجتماعی وجود دارد؛ لذا این وظیفه تمام دولت ها است که اسلوبی را به طور خاص در جهت رشد و پرورش اجتماعی کودکان و با هدف ممانعت از فساد اخلاقی و حفظ حیات جسمی آنان طراحی نمایند (شاملو، ۱۴۰۱: ۲۱۹).

برای تحقق تعهد یاد شده در نظام اجرای احکام کیفری حقوق مصر و ایران، نهاد مددکار اجتماعی وضع شده است و در نظام حقوق کیفری کشور مصر، مددکار اجتماعی باید در رشته روانشناسی یا جامعه شناسی تخصص داشته باشد تا بتواند تأثیرات

شرایط اجتماعی و اقتصادی که تحت تأثیر آن اطفال و نوجوانان مرتکب جرم می شوند را کاهش دهد (عبد التواب، ۲۰۰۴: ۲۰).

بنابراین، با توجه به نقشی که مددکار اجتماعی در هدایت و پرورش کودکان و نوجوانان بزهکار در جهت اجتماعی شدن و نوع برخورد متناسب با ویژگی شخصیتی کودکان دارد، این دو رشته می تواند مددکار اجتماعی را در دستیابی به هدف ها و معیارهای یادشده رهنمون سازد که این امر کاملاً با معیارهای حقوق کیفری پست مدرن برای پاسخ دهی به جرائم اطفال و نوجوانان منطبق است، زیرا این جرمشناسی انتقادی قائل به این موضوع است که جرمشناسی، دولتی بوده و خود را مقید به وضع اجتماعی موجود کرده است، در حالی که بایسته آن است که برای کنترل جرم، پیگیر تغییر وضع اجتماعی موجود بود، نه تحلیل آن. جرمشناسان پست مدرن با پذیرش دیدگاه اخیر الذکر، جرم را چیزی و رای نقض قوانین نوشته که از وفاق اجتماعی حول ارزش ها و هنجارها منتج شده است، می دانند. تعاریف قانونی از جرم، صرفاً مجموعه های انتخابی از صدمات و بی عدالتی ها هستند. نظریه پست مدرن استدلال می کند که تعاریف قانونی جرم، از بررسی بافتار یا معنای جرم ناتوان است و جنبه های تکاملی و دائم تغییر گفتمان را که منجر به ساخت و تفسیر این که چه اشکالی از گفتمان مجرمانه هستند را در نظر نمی گیرد و همچنین تفاسیر قانونی از جرم در درک و بررسی اوضاع و احوالی که به موجب آن گفتمان فعال انسانی مجرمانه می شود، ناتوان است (Bak, A.1999: 27).

نتیجه گیری

جامعه مهم ترین کانون پرورش کودک و نوجوان، و اولین پایگاه اجتماعی است که فرد در درون آن پا می گذارد. سلامت جسمانی، روانی و عقلانی، دستاوردها و موفقیت های جایگاه فرد در مراحل بعدی زندگی تا حد زیادی انعکاس چگونگی زندگی او در جامعه است، اما گاه خود به دلیل وجود شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی آن، کانون خطر برای کودک می شود. با توجه به نگاه ذهنی نگارندگان در رابطه با

معیارهای حقوق کیفری پست مدرن و حساسیت جرائم اطفال و نوجوانان، اثرگذاری رویکرد حقوق کیفری پست مدرن در علل و پیشگیری از رفتار مجرمانه آنها در بسیاری از موارد، عملکرد مطلوبی خواهد داشت؛ زیرا در رابطه با اطفال و نوجوانان، جنایت را به عنوان یک سازه اجتماعی می بیند که از تعاملات پیچیده بین افراد و محیط جرم را ایجاد می گردد و سپس رفتارها و هویت های فردی که منجر به ارتکاب جرم می شود را در نظر می گیرد، زیرا امروزه گسترش حضور اقشار مختلف جامعه در محیط های اجتماعی، با وجود تمام محاسن آن، نگرانی هایی را بر خانواده ها تحمیل کرده و موضوعی است که در میان معضلات امروزی، بسیار خودنمایی می کند.

استفاده فزاینده کودکان و نوجوانان از ابزارهای جذاب محیط های مجازی باعث شده است که یک محیط خصوصی در داخل خانه و مدرسه برای فرزندان ایجاد شود که می تواند کودکان و نوجوانان را وارد محیط جرم زا کند و آنها بدون نظارت قابل توجهی به دنیای مدرن وارد شوند. در واقع، ترویج سبک زندگی مجازی و نفوذ آن بر زندگی کودکان و نوجوانان، از چشم نظریه پردازان جرمشناسی پست مدرن پنهان نمانده و برخی جرمشناسان فرهنگی، در تحلیل نقش فضای مجازی در سبک زندگی جدید کودکان و نوجوانان سعی کرده اند. در جریان نگاهی فرهنگی به پدیده بزهکاری، سخت بر این باور پایبند است که شناخت و درک احساسات، عواطف و تجربیاتی که در جریان اعمال بزهکارانه شکل می گیرند، نیاز ضروری است که بدون آن، امکان تحلیل وضعیت وجود نخواهد داشت. به عبارتی، جرمشناسی پست مدرن با برخورداری از دیدی عمیق نسبت به عناصر فرهنگی موجود، سعی دارد تا بزه را به عنوان فعالیت انسانی در برگیرنده احساساتی خاص درک کند و بدینسان، سیاست های پیشین عدالت کیفری را نقد کند. اثرگذاری حقوق کیفری پست مدرن بر جرائم اطفال و نوجوانان با این دیدگاه که افراد با توانایی مادرزادی برای ارتکاب رفتارهای خشونت آمیز متولد نمی شوند بلکه رفتارهای مجرمانه فرا گرفته می شود و آنها در جریان مشاهده رفتارهای

دیگران می آموزند؛ از اینرو، طبق نظر جرم‌شناسان فرهنگی، فیلم‌ها، تصاویر اینترنتی و بازی‌های رایانه‌ای که خشونت را به تصویر می‌کشند، برای کودکان مضرند، زیرا ممکن است باعث ایجاد رفتارهای مجرمانه در آنها شود. از نظر حقوق کیفری پست مدرنیسم، سیال بودن جامعه کنونی و ارتباط در حال تغییر رسانه‌ها بخصوص ابر رسانه‌ها از جمله رسانه‌های اینترنتی، ساختارهای قدرت، جهانی شدن و سایر تغییرات اجتماعی را از علل ارتکاب جرائم اطفال و نوجوانان به رسمیت می‌شناسند. همچنین، با توجه به دیدگاه حقوق کیفری پست‌مدرن، جرم صرفاً نقض قوانین مکتوب تلقی نمی‌شود، بلکه پدیده‌ای فراتر از آن است که ریشه در توافقات اجتماعی بر سر ارزش‌ها و هنجارها دارد. بر این اساس، نظریه پردازان پست‌مدرن استدلال می‌کنند که تفسیر صرف قانونی از جرم، برای فهم زمینه‌های اجتماعی و شرایطی که در آن، یک کنش انسانی به عنوان رفتار مجرمانه شناخته می‌شود، ناکافی است. جرم‌شناسی پست‌مدرن، در مورد بسیاری از نقاط کلیدی جرم‌شناسی مانند انسان، جامعه و ساختارهای اجتماعی، قانون و جرم با تبیین پست مدرنیستی و استفاده از نظریه‌های ذکرشده، تحلیل‌هایی را ارائه کرده است که همگی اثرگذاری مثبتی بر پاسخ‌دهی به جرائم اطفال و نوجوانان داشته است.

با تبیین مبانی اسلامی عدالت که پاسخ‌دهی به جرائم اطفال و نوجوانان در کشورهای ایران، مصر و عربستان بر آن استوار است به کشف جایگاه دقیق و اثرگذاری حقوق کیفری پست‌مدرن در سه کشور در قبال پاسخ‌دهی به جرائم ارتكابی توسط کودکان و نوجوانان، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که حقوق کیفری پست‌مدرن با تصویب قوانین و مجازات‌ها در کشورهای اسلامی مخالف نبوده ولی انتقادهای زیادی بر آنها وارد کرده است. این منتقدان، تعیین کردن انگیزه به عنوان عاملی برای مجازات را به معنای مجازات کردن اندیشه و عقیده دانسته و معتقدند که انگیزه و باورها نباید در مسئولیت کیفری افراد تأثیری داشته باشد. آنها تصویب این قوانین را به معنای با ارزش

تلقی شدن گروه های خاصی از جامعه دانسته و می گویند این امر به تشدید درگیری و شکاف منجر می شود و نوعی تبعیض بین افراد و گروه های جامعه است و سیاست زدگی نظام عدالت کیفری را نشان می دهد. آنها همچنین معتقدند که تمام جرائم - اعم از نژادی یا غیر آن - شامل انگیزه تحقیر و یا طمع بوده و در نتیجه، به همان درجه قبیح هستند و آسیب در جرائم اطفال و نوجوانان، بیشتر از سایر جرائم است. بنابراین بهتر آن است که به جای ایجاد نهادهای قانونگذاری وسیع و تدوین مجازات در جرائم اطفال و نوجوان، تمرکز را بر روی فرد مرتکب گذاشته و شرایط جامعه را که موجبات ارتکاب جرم را فراهم نموده، بررسی نمایند.

از گذشته تا امروز به موازات اعمال مجازات بر بزهکاران، نگرش های متعددی در زمینه پاسخ دهی کیفری مطرح شده است که به پاسخ دهی در قبال جرائم اطفال و نوجوانان می نگرند. همچنین نگرش گونه شناسانه به تحولات پاسخ دهی به بزهکاری، نه تنها زمینه شناخت مدل حاکم بر نظام عدالت کیفری ملی را در این مورد ایجاد می کند، بلکه موجبات تأمل و تعمق در اوضاع و احوال اجتماعی مؤثر بر بروز و کاربرد آنگونه پاسخ دهی را نیز امکان پذیر می سازد. با این حال، توجه به این نکته ضروری است که چه بسا ضرورتاً ماهیت و مؤلفه های پاسخ به بزهکاری در نظام حقوقی کیفری کشورهای اسلامی (سیاست جنایی) در قالب الگو یا مدلی خاص به طور کامل تبیین پذیر نباشد و بلکه بخش ها یا جنبه هایی از آن با توسل به الگو یا مدل دیگری قابل بررسی و تحلیل باشد. این وضعیت درباره بسیاری از نظام های پاسخ دهی به بزهکاری به طور کلی، و پاسخ دهی به بزهکاری اطفال به طور خاص، صادق است، اما نکته توجه برانگیز در این خصوص آن است که همواره در نظام های عدالت کیفری ایران، مصر و عربستان، اشخاص، الگو یا الگوهای خاصی از پاسخ دهی، بر سایر الگوها حاکم و غالب بوده است و چه بسا در موارد استثنائی، به الگوها و گونه های دیگر پاسخ دهی متوسل می شود.

برخورد سامانه عدالت کیفری با جرائم اطفال و نوجوانان در کشورهای اسلامی بنا به ضرورت، با رویکرد حقوق کیفری پست مدرن برای پاسخگویی به ضرورت های ناشی از وقوع جرم و اجرای عدالت کیفری، دارای اثرات بسیار مطلوب و مثبتی بوده که به آسیب شناسی قوانین و بررسی علل و عوامل ناکارآمدی مقررات کیفری و حذف و تعدیل مصوبات غیر ضروری در جهت کشف و ارائه راهبردهای اصولی و هدفمند به منظور ارتقای سطح کیفی قانونگذاری در جامعه، مفید و کارساز واقع شده و از بحران تورم قوانین کیفری کاسته است.

منابع

- آبروشن، هوشنگ؛ سایبانی، علیرضا؛ غلامی، حسین؛ رضوی فرد، بهزاد (۱۴۰۱)، **جنبه های الگوی عدالت کیفری در پاسخ به بزهکاری اطفال و نوجوانان**، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۰۰، ۱۱۱-۱۲۸.
- احمد عوین، زینب (۲۰۰۹م)، **قضاء الاحداث؛ دراسه مقارنه، عمان: دار الثقافه**. ۱-۴۱.
- احمدی، امیر (۱۴۰۱)، **امکان سنجی تأثیر منطق فازی در اعمال کیفر حبس با نگاهی به جرم شناسی پست مدرن (با مطالعه میدانی و پرسش از قضات)**، فصلنامه تعالی حقوق، ۱/۱۳، ۹۷-۱۲۶.
- بنت، اندی، (۱۳۹۳)، **فرهنگ و زندگی روزمره**. چ ۲، ترجمه: لیلا جواشفانی و حسن چاوشیان، تهران: اختران.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۹۹۸م)، **المستجد من کتاب الإرشاد**، چ ۳، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- رادمهر، فرزانه؛ رضوی، علی؛ مسجدسرائی، حمید (۱۴۰۲)، **سیاست جنایی ایران در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان با نگاهی تطبیقی به حقوق انگلیس**، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۳۳، ۱۵۳-۱۹۴.
- رضوی، بهزاد؛ رضوی، احمد؛ رضانی، احمد (۱۴۰۰)، **تحلیل جرم شناسی پسا مدرن با مناقشه حقوق جزا و اخلاق اسلامی**، فصلنامه حقوق بشر و حقوق شهروندی، ۱۴، ۸-۲۱.

اثرگذاری حقوق کیفری پست مدرن بر نظام پاسخ دهی واکنشی به جرائم اطفال و... - ۲۴۵

- شاملو، باقر؛ حسینی، انسیه (۱۳۹۹)، حق بر سلامت روان کودکان و نوجوانان بزهکار در پرتو عدالت کیفری افتراقی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۹۲، ۹۶-۷۱.

- شاملو، باقر؛ صبحانی، حسین؛ حسینی، مهدی (۱۴۰۱)، مطالعه تطبیقی اجرای اقدامات تأمینی و تربیتی نسبت به کودکان و نوجوانان در حقوق ایران و مصر، مطالعات حقوق تطبیقی، ۱، ۲۳۶-۲۰۹.

- شاملو، باقر؛ کاظمی جویباری، مهدی (۱۳۹۴)، پست مدرنیسم و بازاندیشی مفهوم جرم، پژوهش حقوق کیفری، ۱۲، ۴۰-۶۰.

- شفیع، شیما؛ رایجیان اصلی، مهرداد (۱۴۰۱)، پاسخ های فرایند کیفری به کودکان و نوجوانان از منظر حقوقی جرم شناختی با رویکرد تطبیقی به حقوق ایران و کانادا، دو فصلنامه علمی حقوق تطبیقی، ۱۸، ۶۳-۸۴.

- صادقی، سالار؛ رحیمی نژاد، اسمعیل (۱۳۹۵)، بررسی حقوقی و جرم شناختی جرائم ناشی از نفرت (با تأکید بر مکتب جرم‌شناسی پست مدرن)، تبریز: دانشکده حقوق و علوم اجتماعی. - عبادی، شیرین (۱۳۷۵)، حقوق کودک، تهران: میزان.

- کاسکو، بارت (۱۳۸۹)، تفکر فازی، ترجمه: علی غفاری، عادل مقصودپور، علیرضا پورممتاز و جمشید قسیمی، تهران: دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی.

- مهرا، نسرين؛ زاهدی، عبدالوحید (۱۳۹۴)، رویکرد نوین حقوق کیفری، مجله حقوقی دادگستری، ۹۰، ۶۳-۸۴.

- نجفی ابراندآبادی، علی حسین؛ جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۷)، افق های عدالت کیفری کودکان و نوجوانان در پرتو اسناد بین المللی و حقوق داخلی، تهران: دانشگاه علوم قضایی.

- وزیری، کوثر (۱۳۹۹)، بازپژوهی آغاز سن تعقیب کیفری در حقوق کیفری کشورهای اسلامی، استاد راهنما: روح الله اکرمی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.

- ویلیامز و دیگران (۱۳۸۳)، نظریه های جرم‌شناسی، ترجمه: حمیدرضا ملک محمدی، تهران: میزان.

- Allamah Helli H. Tazkeratul-Foqahaa. Qom: Al al-Bayt; 1998.

- Bennett Richard R., and James P. Lynch (1990). "Does a Difference Make a Difference? Comparing Cross-National Crime Indicators," Criminology 28 (1): 153-82.

- Egyption child law Law No.12 of 1996 adopted law No.126 of 2008

- Electronic resources:

- <https://www.bljsolicitors.co.uk>
- <https://www.cps.gov.uk>
- <https://www.draycottbrowne.co.uk>
- Newman, Graeme R. 1976. Comparative Deviance: Perception and Law in Six Cultures. New York: Elsevier Scientific Pub. Co. ———. 1982. "Khomeini and Criminal Justice: Notes on Crime and Culture." The Journal of Criminal Law and Criminology 73 (2): 561–81.
- Olusegun, J. (2025). A Comparative Analysis of "Death Penalty" in Modern Criminal Law and Islamic Law. Retrieved from www.researchgate.net/publication/388219346
- Sheikh Saduq M. Man Lā Yahḍuruhū al-Faqīh. Qom: Daftar-e Entesharat-e Eslami; 1992. 13. Emami H. Civil rights. Tehran: Eslamieh; No Date
- Shinta Ayu Purnamawati¹, Nurini Aprilianda, Lucky Endrawati, Faizin Sulistiyo (2024), Child-Friendly Justice and Children's Rights from Criminal Cases; Islamic Law, LJIIH 32, 141-154
- Vučićević, Marijana (2017), SOCIAL REACTION TO JUVENILE CRIME, Facta Universitatis Series Law and Politics, DOI:10.22190/FULP1704361V
- www.brottsoffermyndigheten.se
- www.childadvocacy.iowa.gov
- Allamah Helli H. Tazkeratul-Foqahaa. Qom: Al al-Bayt; 1998. 15. Covention on the Rights of Child. Article.1, 8, 9, 24.
- Bak, A. (1999), Constitutive criminology: An Introduction To The Core Concepts, in: Constitutive Criminology At work application to crime and Justice, (eds) Henry, Stuart, Milovanovic, Dragan, Published by State university of New York press
- Esmaeili, Hossein, ON A SLOW BOAT TOWARDS THE RULE OF LAW: THE NATURE OF LAW IN THE SAUDI ARABIAN LEGAL SYSTEM, Arizona Journal of International & Comparative Law Vol. 26, No. 1
- Faani, Reza(2022), The Influence of Postmodernism on Theoretical Criminology, Journal of Positive School Psychology <http://journalppw.com> 2022, Vol. 6, No. 5, 1757 – 1770
- Henry, S., and Lanier, M. M. (eds) What is Crime? Controversies over the Nature of Crime and What to Do about It, Lanham, MA: Rowman and Littlefield, pp. 165-178.

- Henry, S., and Milovanovic, D. (2000) 'Constitutive Criminology: Origins, Core Concepts, and Evaluation' Social Justice, Vol. 27, No. 2, 268. Questia. 9 Nov. 2006
- Henry, S., and Milovanovic, D. (1996) Constitutive Criminology: Beyond Postmodernism, London, Sage.
- Henry, S., and Milovanovic, D. (1999) Constitutive Criminology at Work: Applications to Crime and Justice, New York, State University of New York Press.
- <http://arizonajournal.org>
- <http://arizonajournal.org>
- <https://socialwork.ir/>
- www.jstor.org

References

- Abroshan, Hoshang, Gholami, Hossein, Saibani, Alireza (1401), aspects of the criminal justice model in response to juvenile delinquency, Legal Research Quarterly No. 100.
- Ahmadi, Amir (1401), Feasibility of the effect of fuzzy logic in the application of imprisonment by looking at post-modern criminology (with field study and questions from judges), 13th year of Excellence in Law Quarterly, No. 1.
- Radmehr, Farzaneh; Razavi, Ali; Masjid Sarai, Hamid (1402), Iran's criminal policy regarding juvenile delinquency with a comparative view of English law, Fiqh and Islamic Law Studies, 33, 153-194.
- Razavi, Behzad, Razavi, Ahmad, Ramezani, Ahmad (1400), analysis of post-modern criminology with the controversy of criminal law and Islamic ethics, Human Rights and Citizen Rights Quarterly, 14, 8-21.
- Shafiei, Shima, Raijian, Mehrdad (1401), criminal process responses to children and teenagers from a criminological legal perspective with a comparative approach to Iranian and Canadian law, Scientific Quarterly of Comparative Law, 2, 63-84.
- Tadin, Abbas (2013), reforming and educating the child of Muharram from Azadi, in (The Book of Jurisprudence of Criminal Justice of Children and Juveniles in the Light of International Documents and Domestic Law), Tehran: University of Judicial Sciences and Administrative Services Publications.
- Ebadi, Shirin (1375), Children's Rights, Tehran: Mizan.
- Kasko, Barrett (2009), Fuzzy Thinking, translated by: Ali Ghafari, Adel Maqsoodpour, Alireza Pourmommataz and Jamshid Qasimi, Tehran: Khwaja Nasiruddin Tousi University of Technology.

- Shamlou, Baqer, Hosseini, Ansieh (2019), The right to the mental health of delinquent children and adolescents in the light of differential criminal justice, Legal Research Quarterly, No. 9.
- Williams and others (1383), theories of criminology (translated by Hamidreza Malek Mohammadi), Tehran: Mizan.
- Sadeghi, Salar, Rahiminejad, Ismail (2015), legal and criminological investigation of hate crimes (with emphasis on postmodern criminology), Tabriz: School of Law and Social Sciences.
- Mehra, Nasreen, Zahedi, Abdul Waheed (2014), New approach of criminal law, Legal Journal of Justice, 90, 63-84.
- Vučićević, Marijana (2017), SOCIAL REACTION TO JUVENILE CRIME, Facta Universitatis Series Law and Politics, DOI:10.22190/FULP1704361V
- Shinta Ayu Purnamawati¹, Nurini Aprilianda, Lucky Endrawati, Faizin Sulistiyo (2024), Child-Friendly Justice and Children's Rights from Criminal Cases; Islamic Law, LJH 32, 141-154.
- Bennett Richard R., and James P. Lynch (1990). "Does a Difference Make a Difference? Comparing Cross-National Crime Indicators," Criminology 28 (1): 153-82
- Newman, Graeme R. 1976. Comparative Deviance: Perception and Law in Six Cultures. New York: Elsevier Scientific Pub. Co. 1982. "Khomeini and Criminal Justice: Notes on Crime and Culture." The Journal of Criminal Law and Criminology 73 (2): 561-81.
- Egyptian child law Law No.12 of 1996 adopted law No.126 of 2008
- Sheikh Saduq M. Man Lā Yahḍuruhū al-Faḳīh. Qom: Daftar-e Entesharat-e Eslami; 1992. 13. Emami H. Civil rights. Tehran: Eslamieh; No Date
- Allamah Helli H. Tazkeratul-Foqahaa. Qom: Al al-Bayt; 1998. 15. Covention on the Rights of Child. Article.1, 8, 9, 24.
- Allamah Helli H. Tazkeratul-Foqahaa. Qom: Al al-Bayt; 1998.
- Henry, S., and Milovanovic, D. (1996) Constitutive Criminology: Beyond Postmodernism, London, Sage.
- Henry, S., and Milovanovic, D. (1999) Constitutive Criminology at Work: Applications to Crime and Justice, New York, State University of New York Press.
- Henry, S., and Milovanovic, D. (2000) 'Constitutive Criminology: Origins, Core Concepts, and Evaluation' Social Justice, Vol. 27, No. 2, 268. Questia. 9 Nov. 2006

-Henry, S., and Lanier, M. M. (eds) What is Crime? Controversies over the Nature of Crime and What to Do about It, Lanham, MA: Rowman and Littlefield, pp. 165-178.

-Faani, Reza(2022), The Influence of Postmodernism on Theoretical Criminology, Journal of Positive School Psychology <http://journalppw.com> 2022, Vol. 6, No. 5, 1757 – 1770

-www.jstor.org

-Bak, A. (1999), Constitutive criminology: An Introduction To The Core Concepts, in: Constitutive Criminology At work application to crime and Justice, (eds) Henry, Stuart, Milovanovic, Dragan, Published by State university of New York press

-<http://arizonajournal.org>

-Esmaeili, Hossein, ON A SLOW BOAT TOWARDS THE RULE OF LAW: THE NATURE OF LAW IN THE SAUDI ARABIAN LEGAL SYSTEM, Arizona Journal of International & Comparative Law Vol. 26, No. 1

-<https://socialwork.ir/>

-<http://arizonajournal.org>

Electronic resources:

<https://www.bljsolicitors.co.uk>

<https://www.cps.gov.uk>

<https://www.draycottbrowne.co.uk>

www.brottsoffermyndigheten.se

www.childadvocacy.iowa.gov



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی